**مساله و لزوم بررسی ابعادمختلف حقوق شهروندی درمعماری شهری ایران**

پیدایش شهر به نخستین تمدن‌های بشری برمی‌گردد، آن‌گاه انسان تحولی عظیم را در فرهنگ به وجود می‌آورد و به واسطه عواملی چون: انقلاب کشاورزی، رواج داد و ستد و تجارت، اختراع خط و عوامل سیاسی، اداری، نظامی و مذهبی موجبات تکامل شهر را فراهم ساخت. انقلاب صنعتی نیز به عنوان محرکی نیرومند با ایجاد نهادهای اداری، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نه تنها فضای سه بعدی شهر را دگرگون کرد بلکه تغییرات و تحولات گوناگونی را در عرصه حیات اجتماعی آن موجب شد. تخریب فضای محله‌های مسکونی به واسطه طرح‌های شهری، تغییر هرچه بیشتر و تضعیف همبستگی‌های قومی، محله‌ای و شهری آثار مخربی بر روابط اجتماعی گذاشت. بدین لحاظ مطالعه پیرامون شهر و پیامدهای آن کمک می‌کند تا تحولاتی که در نظام اجتماعی و شخصیتی افراد به وجود می‌آید، شناخته شوند و علاوه بر این می‌تواند زمینه مناسبی برای اتخاذ تدابیر و روش‌هایی جهت ساماندهی حیات اجتماعی فراهم آورد، زیرا شهرها گنجینه‌های فرهنگی با ارزشی به‌شمار می‌روند که نمایانگر روند تاریخ حیات اجتماعی جامعه‌ها می‌باشند و هریک از عناصر و فضاهای آن گویای بخشی از ویژگی‌های اجتماعی است که با بررسی و شناخت آن می‌توان به زوایا و ابعاد ناشناخته‌ای از تاریخ اجتماعی سرزمین‌ها پی­برد (سروستانی، 1369، ص 198). شهروندي بسان بسياري از مفاهيم علوم اجتماعي، علوم سياسي و انساني، مفهومي است سهل و ممتنع. در قوانين اساسي كشورهاي بسياري چندين بار، به دلايل مختلف، به مفهوم شهروندي اشاره شده است. در مطبوعات ملل عالم، به‌ويژه در زمان حاضر، دائماً از اين مفهوم ياد مي‌شود. برخي از سازمانهاي دولتي و عمومي در مكاتبات خود با مردم عادي كوي و برزن، آنان را بدين نام (شهروند) مي‌خوانند. بدينسان، كاربرد مفهوم شهروند به مباحث عمومي نيز راه يافته است. ساده‌ترين تعريف از شهروندي به حق خاك يا حق سرزمين تكيه دارد. براين‌اساس، هر انساني به‌هرتقدير و ناگزير در جايي پاي بر اين خاك مي‌نهد و آن مكان، لاجرم بخشي از محدودة كشوري است كه توسط حكومتي اداره مي‌شود. برهمين‌اساس است كه در دنياي امروز، حداقل در ظاهر، ديگر از مفهوم رعاياي حكومت و كشور ياد نمي‌شود. ازاين‌رو، پيوند با سرزمين و خاك به دليل تولد، به معناي شهروندي آن سرزمين و حكومت حاكم بر آن است. چنين فرايندي كه خودبه‌خودي و با تولد رخ مي‌دهد، عضويت را مي‌رساند. براي مثال، تمام زنان و مرداني كه در سرزمين ايران پاي بر اين خاك مي‌نهند، تا چند صباحي، چه كوتاه و چه بلند، در آن به سر برند، شهروندان ايران زمين محسوب مي‌شوند. به‌تدريج و در گذر تاريخ، علاوه‌بر تولد، زندگي كردن در سرزميني معين و زير لواي حكومتي مشخص، البته با قرار و مدارها و شروطي، به شهروندي ختم شده است. اين شيوه شهروندي اكتسابي است. ليكن باز هم به زيستن در سرزمين و عمر گذراندن بر خاك معين استوار است. براين‌مبنا، پيوند با سرزمين و يا خاك تقريباً شرط جهاني شهروندي بشمار مي‌رود و اكثريت قريب به اتفاق كشورهاي جهان آن را پذيرفته و بر آن گردن نهاده‌اند. بديهي است موارد معدودي نيز وجود دارد كه اين شرط را نپذيرفته، بر عوامل خون و تبارمحور تأكيد دارند. براي مثال، ژاپن تولد و سكونت را شرط شهروندي نمي‌داند و تنها افرادي را شهروند ژاپن مي‌شمارد كه به گفتة خود، خون ژاپني در رگهاي او جاري است. به‌همين‌علت، تعداد زيادي كره‌اي و چيني كه گاه تا 3 نسل در ژاپن متولد و تمام عمر را در آن كشور زيسته‌اند، هنوز در آرزوي شهروندي روز به شب مي‌رسانند و چندان اميدي نيز به دگرگوني شرايط شهروندي در اين كشور ندارند.

لذا یکی از مولفه­های مهم اجتماعی، سیاسی و حقوقی دولت مدرن در جهان معاصر، جایگاه و حقوق شهروندان است. در ادبیات سیاسی و حقوقی دولت مدرن در جهان معاصر، حقوق و امتیازات اتباع و شهروندان از اهمیت خاصی برخوردار است. نگاهی تاریخی به روند تحول و تطور حقوق شهروندی در جوامع بشری از دیرباز تاکنون سیر تحول این مفهوم را تا حدودی تبیین می نماید (احمدی طباطبایی، 1388).از سوي ديگر، باگسترش شهرنشینی و مهاجرت به شهر، ازدیاد جمعیت شهری در مناطق مختلف، ورود تکنولوژی و وضع مقررات و قوانین در اجتماع بزرگ انسانی جهت حفظ نظم و برقراری امنیت، مفاهیمی چون شهروندی و حقوق شهروندی تولد یافتند و صاحبنظران و اندیشمندان حوزه‌های مختلف علوم به مطالعه و گسترش این مفاهیم شهری پرداختند، به طوری‌که *«مفهوم شهروندی اگرچه دارای یک تاریخ طولانی است، اما هنوز هم مبهم و مساله دار است. یونگ استدلال می‌کند که شهروندی درحقیقت مجموعه‌ای از ارتباطات عمومی بین مردمی است که می‌خواهند از حالت طبیعت»* یعنی حالتی که زندگی به صورت منزوی، فقیرانه، به دور از پاکیزگی و حیوانی جریان دارد، اجتناب ورزند. از این رو، شهروندی نوعی قرارداد اجتماعی است که هدف اصلی آن ارتقای رفاه و امنیت در سطح جامعه است و ضرورتا به این امر می‌پردازد که افراد یک جامعه چگونه باید رفتار کنند تا به این هدف برسند (پری و فلانری، 2002).

همچنين لازمه حل مسائل شهری، بحران­های شهرنشینی و اصلاح رفتار شهروندان، وجود یک فرهنگ مناسب شهروندی و شهرنشینی است، که این مقولات جزء پایه های اساسی و دوام شهری می­باشند، و همه اجزای یک زندگی شهری باید با در نظر گرفتن نقش فرهنگ در مناسبات اجتماعی شهر، تأسیسات شهری، نظام حمل و نقل،کالبد شهر و کاربرد های شهری سعی کنند، تعادل لازم را بوجود آورند؛ پس این نکته اساسی که در تبیین بعد فرهنگ شهروندی باید اشاره شود این است که *«نمی توان شهروندی را صرفاً از منظر حقوقی و قانون یا صرفاً از منظر رابطه شهروند و دولت بررسی کرد، همان طور که که فالکس می گوید، شهروندی یک مفهوم پویا ست، که برای تأمین واقعی اش باید به فراسوی دولت بسط یابد و فرهنگ را در بررسی آن مورد توجه قرار داد»* (فاضلی، ۱۳۸۶، ص ۲). با افزایش روزافزون شهرنشینی در جهان بالتبع پیچیدگی های تمدن شهرنشینی نیز رو به فزونی است. در این شرایط نمی توان تحقق مفاهیمی مثل توسعه پایدار شهر ی و عدالت اجتماعی را بدون حضور شهروندان به مثابه شهروندان فعال و آکاه در عرصه های عمومی امیدوار بود.

ازجمله مهم­ترین دستاوردهای تمدن بشری، دستیابی و تدوین قوانین مترقی جهت هم­زیستی بین افراد بشر است. حقوق شهروندی که عصاره تلاش های انسان متمدن جهت نظم دهی زیست بهتر و ایجاد ارتباط بهتر میان یکدیگر تدوین و اجرا شده است و عدم آشنایی مردم و برنامه­ریزان شهری از حقوق شهروندی باعث تشدید و ازدیاد مشکلات شهرنشیني شده است. در این تحقیق سعی می شود ابعاد و عوامل موثر حقوق شهروندی درمعماری و جایگاه آندر برنامه­ریزی شهری و طراحی از روش گوناگون از جمله روش تطبیق بررسی و در نهایت عوامل موثر آن نام برده و اصول کلی در خصوص حقوق معماری مشمول در برنامه­ریزی شهری استخراج و پیشنهاد گردد. جهت شناخت مسئله حوزه های گوناگون باید مورد پژوهش قرارگیرد از جمله مباحث حقوقی و مباحث حقوقی شهروندی و مباحث شهر و شهرسازی و برنامه­ریزی شهری و مباحث اجتماعی و نیازهای انسان و مباحث محیط و ارتباط انسان با محیط و ... این مسائل قلمرو های مختلفی از جمله اجتماعی، انسانی، اخلاقی، فرهنگی، هنری و غیره را شامل خواهد شد

برگرفته از کتاب حقوق شهروندی در معماری شهری ایران(شماره شاباک 3-493-421-600-978) نویسنده دکتر قدرت زارع اندریان استادیار دانشگاه